

پیرامون اصلاحات مصوبه سال 1357

امپریالیسم برای بدست آوردن ارزش اضافی میلیون ها انسان زحمتکش را در مستعمرات و کشورهای وابسته به بی رحمی تمام استثمار می کند. ولی از آنجایی که هر پدیده ای حاوی تضاد است. استثمار هم در پهلوی فجاج و استثمار که برتوده های خلق روا میدارد، ناگذیر است بمنظور بهره برداری بیشتر، راه ها، کارخانه ها و مراکز صنعتی و تجاری و علمی و فرهنگی را ایجاد نماید. که در پهلوی اینها بیدایش کارگران و روشنفکران را در بردارد که در نتیجه بیداری افکار ملی و انقلابی و بیدایش جنبش های ملی و آزادیبخش را تسریع می نماید. و بقول استالین " این کیفیت برای پرولتاریا از این لحاظ شایان اهمیت است که سنگر های سرمایه داری را از ریشه مخدوش ساخته و مستعمرات و کشورهای غیر مستقل را از ذخایر امپریالیسم به ذخایر انقلاب پرولتاریائی تبدیل می سازد ". (راجع به اصول لنینیسم - صفحه 21)

رژیم های دست نشانده و وابسته کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بدستور امپریالیست های که این رژیم ها را بر سر پا نگهداشته اند در کشورهای که حاکمیت دارند برای پیدا کردن راه های مناسب جهت رشد سرمایه و ایجاد بازار برای سرمایه و ایجاد پایگاه در بین مردم بر بنیان فریب توده ها و جهت تضعیف تضاد های طبقاتی و جلوگیری از انقلاب آزادیبخش ملی دست به یک سلسله اصلاحات می زنند و خود را حامی منافع مردم و طرفدار ترقی و پیشرفت کشور معرفی می نمایند. هدف اصلاح طلبی و فرم عبارت از استحکام قدرت خود طبقه حاکمه ارتجاعی و تفرقه افگندن در صف انقلاب است. فرم از بالا توسط طبقه حاکمه مرتجع تسکین است نه علاج، زیرا که ماهیت استثمار در مناسبات اجتماعی تغییر نمی یابد و روابط زیر بنایی رژیم کهن بطور کلی از بین نمی رود. شکی نیست که " از بین بردن کلیه بقایای کهن که برپای تکامل وسیع، آزاد و سریع سرمایه داری بند نهاده است مسلما به حال طبقه کارگر سیودمند است ". (لنین - دو تاکتیک صفحه 50) لیکن در عصر حاضر امپریالیسم و رژیم های وابسته به آن کلیه بقایای کهن را از بین نمی برد زیرا فیودالیسم یکی از پایه های امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه است. بنابراین " نفع بورژوازی در اینست که بر ضد پرولتاریا، به بعضی از بقایای کهن اتکاء نماید ". (لنین - دو تاکتیک - ص 50) رژیم کودتای هفت ثور به خیال خام خود برای پیدا کردن پایگاه توده ای و هم برای تطبیق مقاصد استثمار سوسیال امپریالیسم، یک تعداد فرمان های بی بنیاد را بیرون داد تا توده های زحمتکش را اغفال نماید و تضاد های طبقاتی را تضعیف کند و خود را یک رژیم مترقی و انقلابی جا بزند. در این میان بررسی اصلاحات ارضی، ممنوع کردن رباخواری، کم کردن شیربها و سواد آموزی از لحاظ تکامل مناسبات اجتماعی حایز اهمیت است.

ایجاد مراکز سواد آموزی برای رژیم این امکان را میداد تا از طریق سواد آموزی اهداف برنامه های خود و ایدئولوژی خود را در ذهن اشخاص تحت آموزش بکنجد. و از طرف دیگر از طریق باسواد کردن آنان بتواند بارآوری کار را افزایش دهد و از ضایعات جلوگیری نماید.

ولی همین سواد آموزی می توانست زمینه آموزش افکار و ایدئولوژی انقلابی را در بین توده های بی سواد فراهم سازد، و زمینه کار را برای سازمان های انقلابی مساعدتر می نمود، ولی رژیم در تطبیق آن موفق نگردید زیرا روش غلط و دور از واقع بینی او و برخورد اپوزیسیون رژیم بر مبنای زمینه های خرافی توده ها این امکان را از او سلب کرد.

یکی دیگر از فرمان های عوامفریبانه رژیم فرمان شماره 7 است که طی آن برای زنان باصطلاح آزادی عطا می کند، و در آن بیان شده که " هرگاه زن از خانه شوهر خارج شود و نخواهد دوباره برگردد هیچکس نمی تواند او را مجبور به برگشت به خانه شوهر سازد " و هم در آن قید گردیده که " مهر زن سه صد افغانی تعیین شده است ". در جامعه ای که کارگران زن و زنان کارگران از محروم ترین محرومان هستند، در جامعه ای که با عقب مانده ترین شیوه های قرون وسطی سروکار دارند و در جامعه ای که بخش عظیم از زنان در چهار دیوار خانه زندانی و جز آشپزی و بچه داری کار دیگری ندارند و اکثریت آنان از کار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی محروم اند و از لحاظ اقتصادی ناگذیر بر مردان اتکاء و وابستگی دارند، صدور چنین فرامینی هم هیچ گره از مشکل آنها نگشوده، بلکه بیشتر به رواج فحشاء در جامعه خواهد انجامید. حل مسئله زنان در گران ویا ارزان فروختن و خریدن آنان نبوده بلکه آزادی آنان از قید و بند ستم اقتصادی و فرهنگی پیوسیده جامعه می باشد. و این امر فقط در مبارزه زنان دوش بدوش کارگران و دیگر زحمتکشان که برای رهایی از سلطه استثمار و استثمار مبارزه می کنند میسر است، محرومیت زنان بخاطر فقدان فرامین بوروکراتیک نبوده، بلکه ناشی از شیوه تولید حاکم در جامعه است. آزادی زنان با آزادی کار از قید استثمار سرمایه همراه است. با لغو مالکیت خصوصی دیگر با زنان بمثابه یک شی قابل تملک برخورد نخواهد شد ستمگری بر زن ها که خود ناشی از

مناسبات اجتماعی استعماری و طبقاتی است همپای آن شیوه تولید مایه و شکل گرفته است. برابری حقوق اجتماعی زنها و مردها فقط با تغییر شیوه تولید، که این بی عدالتی برآن پایه استوار است، می تواند تامین گردد. زندگی زن در اجتماع و خانواده تضمین میگردد. در جامعه نوین " نظام ازدواج فیودالی که بر پایه ترتیب دادن های آمرانه و مستبدانه و اجباری و برتری مرد بر زن و بی توجهی به منافع بچه ها قرار داشت لغو شد .

نظام دموکراتیک نوین ازدواج که بر اساس انتخاب آزادانه طرفین، تک همسری حقوق برابر هر دو جنس و حمایت از منافع مشروع زن و بچه ها قرار دارد به مرحله اجرا گذارده می شود. " (قانون ازدواج در جمهوری خلق چین - فصل يك اصول كلي، ماده يك)

رژیم مدعی است که در امر ازدواج تسهیلات فراهم کرده و پول مهریه را کم نموده ولی مسئله صرفا گران یا ارزان خریدن نیست، بلکه مسئله اصلی از بین بردن این نوع ازدواج است که زن بمثابة يك کالا تلقی کرده و در مقابل مقدار پول یا جنس توسط صاحب اختیار آن به شخص دیگر واگذار کنند. از بین برداشتن این رسم منحل فقط با شرکت زنان همدوش مردان برای ایجاد جامعه نوین و فارغ از استثمار میسر می گردد و بس. در جامعه نوین دموکراتیک که بدست خود ستم کشان مرد وزن اعمار می شود " تعدد زوجات، صیغه زندگی مشترک بدون عقد و ازدواج، نامزد کردن کودکان از بچگی، دخالت در ازدواج مجدد زنان بیوه و مطالبه پول یا هدیه در مورد ازدواج قدغن گردیده " می تواند. (فصل يك - اصول كلي - ماده 2) دولت مزدور با بی مسئولیتی حکم می کند که در صورت جدا شدن زن از شوهر هیچکس نمی تواند او را مجبور به مراجعه نماید. ولی در جامعه دموکراتیک نوین این امر طور بیست که، در صورتیکه زن و شوهر هر دو مایل باشند اجازه طلاق داده می شود.

در مواردی که زن با شوهر هر يك به تنهایی بر روی امر طلاق اصرار داشته باشند، اجازه طلاق هنگامی صادر خواهد شد که با درمیانی دولت خلق ناحیه و سازمان قضائی جهت آشتی زوجین با شکست مواجه شود. ... دولت خلق ناحیه نباید در صد مانع شدن هیچیک از زوجین از مراجعه به دادگاه خلق نمود، یا در صد کار شکنی و اشکال تراشی برآید. " (فصل پنجم - ماده 17)

و این در حالی است که زن و مرد از موقعیت و حقوق برابر در خانواده و جامعه برخوردار هستند و " مردوزن هر دو حق انتخاب آزادانه شغل و حق شرکت آزادانه در کار یا فعالیت های اجتماعی را دارا می باشند. " (فصل 3 ماده 9) و برای ایجاد جامعه بی طبقه و فارغ از بهره کشی انسان از انسان کار و فعالیت می کنند و زندگی را آگاهانه به پیش می برند.

فرمان شماره 6 نیز در راستای اصلاحات رژیم کودتای هفت ثور صادر شده است و در آن چنین قید گردیده: " شخصی که قبل از سال 1355 زمین زراعتی کسی را که مالک ده جریب زمین درجه اول و یا معادل و یا کمتر از آن است، بکرو گرفته باشد، بعد از برداشت حاصل ایستاده زمین مذکور را بدون تحصیل گرویی به مالک آن مسترد نماید ... همین گونه ماده دوم این فرمان نظریه اینکه از گرویی گرفته شدن زمین چهار سال، سه سال ... می گذرد، با ترتیب 20 فیصد 40 فیصد ... پول گرویی را قابل تادیه می داند. در اینجاست که عدالت اجتماعی به عالیترین شکل آن تجلی می کند. " (1)

ماهیت ضد انقلابی این فرمان از همین چند سطر و از متن آن بخوبی هویدا است، علاوه بر این برداشت محصول ایستاده را از طرف شخصی که زمین را گرو گرفته مجاز می داند، دهقانان را نیز موظف میگرداند که فیصدی از پول گرویی را به مالک مسترد نماید. و این عمل را " تجلی عدالت اجتماعی به عالیترین شکل آن " می داند. زهی خیانت و بی عدالتی. زندگی دهقان زحمتکش کشور هرگز با چنین فرمان های ضد انقلابی که حافظ منافع ارباب ها 1- انیس 8 - اسد 1357 و ملاکن باشد بهبود نمی یابد، بلکه دهقانان زحمتکش افغانستان فقط تحت رهبری حزب طبقه کارگر می توانند زمین های خود را خود شان بدون مسترد نمودن پول گرویی بدست آورند و از این طریق عدالت اجتماعی را به پیش برند

رژیم مزدور برای ایجاد اختلال در وحدت و صف انقلاب و ایجاد پایگاه در بین مردم برای خود و هم تامین حد اکثر سود برای سوسیال امپریالیزم به صدور فرمان شماره 8 اقدام کرده برای آن سروصدای زیادی براه انداخت. مطابق فرمان شماره 8 پنج جریب زمین اعلی و یا معادل آن برای دهقانان بی زمین اعطاء می شود، در حالیکه برای فیودالان سی جریب زمین اعلی و حتی سی و پنج جریب زمین محفوظ می گردد، و حتی اکثر ملاکین قبل از شروع " اصلاحات ارضی " رژیم، زمین های خود را با استفاده از دستگاه بوروکراسی دولت بین خانواده های خود تقسیم نمودند.

با در نظر داشت شرایط کشت و افزار کار (گاو)، آب، مالیه، کود و غیره این حاصلات پنج جریب زمین زندگی دهقانان را اکتفا نمی نماید و دهقانان مجبورند دوباره برای تامین احتیاجات، به کار در روی زمین های دیگران بپردازند و حتی زمین خود را به گرو بگذارند. همچنان در این فرمان تصریح شده که " تاسیسات و تجهیزات مربوط به زمین که مطابق احکام این فرمان تصرف و به مستحقین یا کنوپراتیف های زراعتی یا فارم های دولتی توزیع می گردد از طریق بانک انکشاف زراعتی به قیمت عادلانه به اقساط ده ساله

خریداری و به مستحقین کنوپراتیف یا فارم دولتی در طول دو سال با شرایط مساعد دریافت می‌دارد. " و هم در همین فرمان قید گردیده که " 6: قرضه بانک انکشاف زراعتی را مطابق به مقررات بانک در وقت وزمانش بپردازند. " و " 7: مالیات زمین را در وقت معین بپردازند. " علاوه بر اینکه بر قرضه که سرمایه برده‌گان تحمیل می‌کند مالیات هم بر دهقان فشار وارد می‌کند مالیات سرچشمه حیات دستگاه بیروکراتیک، ارتش، مذهبیون و دیگر ارکان دولت و خلاصه تمام دستگاه قوه مجریه است. " دولت نیرومند و مالیات سنگین دو مفهوم همانند " این بانک بدین منظور تاسیس می‌شود که موجب افزایش قروض دهقانان و تشدید تمرکز مالکیت بر زمین می‌گردد.

پرواضح است که با داشتن این مقدار زمین و چنین شرایطی دهقانان هیچوقت از زیر بار قرضه های بانک انکشاف زراعتی قد راست نخواهند توانست، بلکه با قرضه شدن آن تجهیزات جدید دیگر لازم می‌آید و قرضه های اسارت بار دولت بر دوش دهقانان بیشتر می‌گردد. بالاخره رژیم هدف خود را طبق این فرمان " بلند بردن حجم تولید زراعتی بمنظور تهیه مواد غذایی کافی و متنوعی به خلق تهیه مواد خام برای صادرات زراعتی و صنایع رشد یابنده کشور" بیان میدارد. سوسیال امپریالیست ها و امپریالیستهای غربی برای نیل به حد اکثر سود دست به هر عوامفریبی و جنگ افروزی می‌زنند و برای دست یابی به منابع مواد خام و بازار فروش و مناطق نفوذ، و استفاده از نیروی کار ارزان کشورهای عقب نگه داشته شده مستعمره و نیمه مستعمره بانواع نیرنگها متوسل می‌شوند. طبق یک تعداد رفرم ها با حفظ احساسات استثمارفئودالی، مناسبات عقب مانده و سنتی فئودالی را که قادر به برآورده همه جانبه نیازمندی های امپریالیزم نیست تا حدودی که منافع امپریالیستها اقتضا کند شکلا تغییر می‌دهند و از رشد مستقل اقتصادی جلو گرفته و رشد تک محصولی را انکشاف می‌دهند که جز وابستگی ثمری ندارد. سرمایه داران می‌کوشند محصولات مورد احتیاج خود را در مستعمرات خود رواج دهند. " روسها هم در مستعمره خود ترکستان همین عمل را انجام می‌دهند. زیرا بدین طریق با سهولت بیشتری می‌توانند رقبات خارجی خود را بکوبند و منابع مواد خام را انحصار نمایند و ترست بافندگی که هزینه ترور بسودتر تشکیل دهند که تولید آن " مرکب " و تمام مراحل تولید و تهیه محصولات پنبه را در یک دست متمرکز سازند. " (لنین - مجموعه آثار منتخب - امپریالیزم بمثابة بالاترین مرحله سرمایه داری - ص 423.)

سوسیال امپریالیستهای شوروی این تزارهای نوین می‌خواهند که در افغانستان شیوه یک محصولی (کشت پنبه) را رواج دهند و همچنان هدف فرمان شماره هشت ماست مالی کردن تضاد های طبقاتی در جامعه و جلوگیری از انقلاب ملی و دموکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر بود، که نیروی عمده آنها دهقانان تشکیل می‌دهند. و مضمون اصلی آن که بر این رفرم اتکاء داشته باشد نیز بطرف نابودی می‌رود و سرانجام باعث رشد بیشتر جنبش ملی و دموکراتیک می‌گردد. تطبیق رفرم ارضی می‌توانست رابطه دهقانان را با طبقات دیگر جامعه دیگرگون سازد. رفرم ارضی می‌تواند فیودالیزم را محدود کند موانع را از سر راه رشد سرمایه وابسته بر دارد و زمینه رشد سرمایه داری وابسته را در جامعه فراهم سازد. تقسیم ارضی توسط رژیم وابسته به امپریالیزم و سوسیال امپریالیزم اگر در ابتدا و موقتا دهقانان را به آزادی مالک شدن آنها برساند، در حقیقت عامل بدبختی آنها هم از همان آوان آغاز می‌گردد و این امر همبای رشد سریع سرمایه تبارز می‌نماید. " جای فئودال را ربا خوار شهری جای عوارض فئودالی زمین را رهن و جای مالکیت اشرافی بر زمین را سرمایه بورژوازی " خواه گرفت. خرابی تصاعدي وضع زراعت و مقروض شدن تصاعدي دهقانان آنها را به خانه خرابی و بی چیزی می‌کشاند. " قطعه زمین دهقان فقط بهانه ایست که بر سرمایه دار اجازه می‌دهد از زمین سود، ربح، وام و بهره مالکانه بیرون بکشد و زارع را به امان خود رها کند تا هر طور خواسته باشد مزد خود را در آورد. " در قوانین تکامل تولید کالایی اصلاحات ارضی ایدا سرمایه داری را نابود نمی‌کند بلکه رشد و تکامل آنها بهبود بخشیده و تقسیم بندی طبقاتی خود دهقانان را تسریع خواهد کرد. پس، در حقیقت امر نه " حق بر زمین " نه " توزیع بالمسای زمین " و نه " اجتماعی کردن زمین " هیچیک از اینها سیرجوی سوسیالیزم در بر ندارد، تمام کسانی که باین موضوع پی می‌برند که با لغو مالکیت خصوصی بر زمین و توزیع مجدد آن، ولو " عادلانه " ترین توزیع ها هم باشد نه فقط به تولید کالائی و قدرت بازار و پول و سرمایه لطمه ای وارد نمی‌شود بلکه برعکس بر وسعت دامنه آن افزوده می‌گردد، باید این نکته را دریابد. " (لنین - احزاب سیاسی در روسیه ص 339) ولی برای مارکسیت - لنینیستها جهت نیل به آزادی کارگران و دهقانان هیچ راهی جز تقسیم ارضی به شیوه دموکراتیک موجود نبوده و نمی‌تواند باشد. میلیون ها دهقان بی زمین و کم زمین که در بدترین شرایط زندگی به سر می‌برند نمی‌توانند در راه رفرم ارضی دموکراتیک نوین نکوشند رفرمی که نظام فئودالی را ضربه زده و راه تکامل اجتماعی را فراهم سازد، دهقانان می‌توانند طرفدار کامل و اساسی انقلاب دموکراتیک نوین باشند. فقط باید افکار آنها را تنویر کرد، سیر حوادث انقلابی نیز باعث تنویر افکار آنها خواهد گردید. هرچه ذهن دهقان روشن تر باشد بهمان نسبت آنها پیکر تر و باعزمی راسختر می‌باشند و همین که دهقانان خود را از قید افکار ضد دموکراتیک و خرافات آزاد

نمودند خواست انقلاب کامل دموکراتیک نوین برای آنان اصل اساسی خواهد شد و از آن طرفداری خواهند کرد . زیرا تولید افکار استعماری تسلیم طلبانه و خرافاتی از طرف دستگاه طبقه حاکمه مرتجع برای دهقانان د رحکم حیات رفعت بار ، همان خواری و منزلت و ظلمت پیشین است که فقط کمی رنگ و روغن بآن زده اند و آراسته اند . " زیرا فقط در صورت پیروزی کامل انقلاب است که برای دهقانان در زمینه ریفرم های ارضی تحصیل همه چیز ، میسر خواهد شد ، یعنی تحصیل تمام آن چیزها میسر خواهد شد که مورد تمایل آنان است و آرزوی آنها دارند . و واقعاً لازم دارند (ولی نه برای محوسرمایه داری که " سوسیال رولوسیونر" تصور می کند بلکه) برای اینکه از منجلاب اصول سرواژ ، و از ظلمت خواری و منزلت و چاکری خلاص شوند و شرایط زندگی خود را تاحدودی که در شرایط اقتصادی کالایی ممکن است بهبود بخشند . " (لنین - دوتاکتیک : ص 120) نباید فراموش کرد که برای نزدیک کردن سوسیالیزم سوازی آزادی کامل سیاسی ، سوازی جمهوری دموکراتیک نوین و سوازی دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک خلق وسیله دیگر موجود نیست و نمی تواند هم باشد . دهقانان به مثابه قوه و به منزله اکثریت استعداد انجام دادن انقلاب دموکراتیک نوین را دارند که می تواند بطور دقیق مبین منافع آنان باشد و به آنها تفوق بدهد . حزب انقلابی پرولتری باید با تمام قوای خود در راه حصول این مقصود به آنها کمک کند . در عصر امپریالیزم دیگر منافع دهقانان با منافع بورژوازی هماهنگی ندارد بلکه در تناقض با آن قرار دارد . بدین لحاظ در این عصر پرولتاریای شهری متحد طبیعی و پیشوای دهقانان است که رسالت برانداختن نظام سرمایه را بعهده دارد .

اتحاد انقلابی کارگران افغانستان